

مواد: برگ اوشمک خشتی (ôšomek-e xešt-i)، (آویشن شیرازی)؛ برگ اوشمک کبرک (ôšomek-e kerek)، (آویشن یاریک)؛ سرشاخهٔ الهه (alpa)، سرشاخهٔ اروک (arvek)؛ سرشاخهٔ بی مادرون (bimâdarun)، (گونه‌ای بومادران)؛ پوست نارنج؛ صمغ انگزه - انغوزه (anqeza)؛ سرشاخهٔ درمه (dereu:ma)، (درمهٔ ترکی)؛ دانهٔ دونیشت (duništ)، (اسپند)؛ دانهٔ زنیو (zenyu)، (نانخواه)؛ گل سربرنجاسک (sarberendzask)، (بومادران)؛ صمغ کندربندی (konder-e bandari)، (کندر)؛ میوهٔ هله (hele:la) (هلیله) و نوات (navât)، (نات).  
 خواص درمانی: دارویی است برای رفع ناراحتیهای گوارشی از جمله دل درد (deldard)، (درد معده)؛ کم‌پزج (kom pe:č)؛ دلپیچه)؛ باذ سرخ (bâd-e sorx)؛ هیزه (heyza)؛ (تریشه) (teriša)؛ (ترش کردن)؛ برگشتگی (bargaštēgi)، (استفراغ) و شکم رویش (šekam ravišt)، (اسهال)...

### بوبوک (bubuvek)

مواد: دانهٔ بالنگو (bâlangu)، (بالنگو)؛ دانهٔ بنگو (bangu)، (اسفرزه)؛ برگ اوشمک پرن (ôšomek-e pe:n)، (آویشن شیرازی)؛ دانهٔ ریحون (reyhun)، (ریحان)؛ تخم گش (toxm-e goš)، (دانهٔ کتان)؛ تخم گشنی (toxm-e gešni)، (دانهٔ گشنیز)؛ زدی ارجن (zedi arjan) (شیرهٔ ارژن)؛ دانهٔ مرویشک (marvarišk)، (میوهٔ مریم نخودی)؛ شیر گوسفند و بز.

خواص درمانی: مرهمی مؤثر برای باز کردن سرکورک (kurak)، (دُمَل) و زخمهای چرکین است.

### جوشنده (jušenda)

مواد: برگ پرسی یاوشو (par-e siyāvašu)، (پرسیاوشان)؛ میوهٔ رواترۆک (ravâtorvak)، (تاجریزی)؛ میوهٔ شپتون (so pessun)، (سپستان)؛ میوهٔ سنا (sanâ)؛ میوهٔ اناو (onnâv)، (عناب)؛ گل و برگ گازوو (gâzavu) و میوهٔ هله (hele:1 a)، (هلیله)؛ چووک (čuvak)، (چوبک) و گل لولوفر (lulufar)، (نیلوفر).

خواص درمانی: دارویی است ملین و برای رفع یبوستهای شدید و پاک شدن دستگاه گوارش به مصرف می‌رسد.

## چارأرق = (چهار عرق)، (čâr araq)

مواد: گل دِنك (denek)، (دِن در لهجه شیرازی)؛ گل سربرنجاسك (sarberendzâsk)، (بومادران)؛ شاخ و برگ پُذُم (pođom)، (پونه)؛ پوست نارنج؛ گل و برگ گازوو (gâzavu)، (گل گاوزبان)؛ دانه زنیو (zenyu)، (نانخواه)؛ گل و برگ دِرِمَه (dere:ma)، (درمنه ترکی)؛ شاخ و برگ شاترَه (šâtrra)، (شاه تره)؛ بوته خاراشتر (xâr oštor)، (خاراشتر)؛ سر شاخه آلپه (alpa)؛ گل باوینه (bâvina)، (بابونه) و سر شاخه بی مازرون (bimâđarun)، (بومادران).

خواص درمانی: داروی مناسب و مؤثری جهت رفع انواع ناراحتیهای گوارشی است. تأثیر آن شبیه به تأثیر پکمه است البته تأثیر این دارو سریعتر از پکمه است.

## چار تخمك (čârtoxmak)

مواد: دانه انجره (anjera)، (میوه گزنه = انجره)؛ دانه بارهنگ (bârehang)؛ دانه بالنگو (bâlangu)؛ دانه بنگو (bangu)، (میوه اسفرزه)؛ ب - دونه (be:duna)، (بهدانه)؛ تخم گش (toxm-e goš)؛ (دانه کتان)؛ ریشی مِـك (riše-ye me:K)؛ (ریشه شیرین بیان)؛ شكرك (šakrek)؛ (شکر تیغال)؛ میوه اُناو (onnâv)، (عناب)؛ دانه مَرَوَریشك (marvarišk)؛ (میوه گیاه مرو).

خواص درمانی: داروی خوبی برای رفع سرماخوردگی و سرفه‌های کهنه شده و در سینه مانده است. بخصوص به خاطر دو ماده شكرك و عناب برای نرم شدن سینه و گلوی کودکان مورد استفاده زیادی در بین مردم دارد. علاوه بر اینها برای نرم شدن رحم نیز به زانو می‌خورانند.

## چار ریشه (čâr riša)

مواد: ریشی انجاو (riše-ye anjavâđ)؛ (ریشه انجبار)؛ ریشی کاشنی (riše-ye kâšni)؛ (ریشه کاسنی)؛ ریشی گازوو (riše-ye gâzavu)؛ (ریشه گاو زبان)؛ ریشی مِـك (riše-ye me:k)؛ (ریشه شیرین بیان).

خواص درمانی: داروی رفع سرماخوردگی کهنه شده و مانده است.

## چار كلك (čâr golak)

مواد: ریشه کاشنی (kâšni)، (کاسنی)؛ میوه اُناو (onnâv)، (عناب)؛ گل گازوو (gâzavu)؛ (گاو زبان)؛ میوه هِلِه (hele:la)، (هلیله).

خواص درمانی: داروی مؤثری برای تخلیه دستگاه گوارش بخصوص روده‌ها می‌باشد.

خرده (xarda)<sup>۱</sup>

مواد: قطعه‌های چوب آگر (ager)، (اگیر)؛ قطعه‌های بَمَن پَسَج (ba:man-e pe:č)، (بهمن)؛ دانه انگذو (angedu)، (انجدان)؛ دانه زنیو (zenyu)، (نانخواه)؛ میوه رواترُوک (ravâtorvak)، (تاجرزی)؛ پیاز گل گن (gol-e gan)، دانه بارهنگ (bârehang) و شکر.

خواص درمانی: دارویی است مسکن و آرامبخش برای رفع درد دستگاه گوارش نوزادان. معمولاً به کودکان کم خواب و ناآرام می‌خورانند. اولین دارویی که به نوزاد می‌خورانند خرده است که قیلک (qilek)، (خونابه‌های دوران جنینی) را که در معده نوزاد مانده است بیرون بریزد و دفع گردد.

دَوُی پُتُه (davo-ye po:ta)

مواد: دانه ریحون (reyhun)، (ریحان)؛ قطعه چوب جوزردک (čuzardek)؛ زهره ماده گاو؛ گُنَج (gondz)، (صننع یا شیرۀ بوته زازی (zâzi) = انزروت)؛ میوه هِلِ - لِی زرد (hele:le-ye zard) و نبات.

خواص درمانی: ماده مؤثری برای رفع تراخم و ترکیدن دانه‌های چرکی آن است. لهدیگی پلک چشم را نیز از بین می‌برد.

دَوُی زیمون (davoy zeymun)

مواد: دانه زیری کرمونی (zire-ye kermun-i)، (زیره کرمان)؛ دانه زیری سوز (zire-ye sôz)، (زیره سبز)؛ دانه راجونی رومی (rajune-ye rum-i)، (رازیانه رومی)؛ دانه راجونی سوز (rajune-ye sôz)، (رازیانه سبز)؛ قطعه زنجفیل (zanjafil)، (زنجبیل)؛ دانه فلفل سی‌یه (felfel-e siya)، (فلفل سیاه)؛ میوه قرص کِمَر (qors-e kemar)؛ گل جُوز (jôz)، پودر زرچووه (zarčuva)، (زر چوبه) و روغن و شکر.<sup>۲</sup>

خواص درمانی: داروی مفید و مؤثری برای بازیابی توان از دست داده زانو است. علاوه بر آن رحم را قوت می‌بخشد و باعث نرمی و عادی شدن حالت آن می‌شود.

(۱) نامهای دیگر آن kuku, bādari و davo-ye baček است.

(۲) گاهی به مخلوط فوق، بارهنگ، دارچین و خسرو دال (xosrô dâl)، (خسرو دارو) نیز می‌افزایند.

## شَاف (šâf)

مواد: هسته شفتالو (softâlu)، شفتالو، دانه بارهنگ (bârehang)؛ گل باوینه (hâvina)، (بابونه)؛ دانه دونیشت (duništ)، اسپند؛ پوست خیارگُرگو (xiyâr gorgu)، قسمت درونی پوست هندوانه ابوجهل؛ ریشی مَرِک (me:k)، (شیرین بیان)؛ زنجفیل (zanjafil)، (زنجبیل)؛ زَرِی گا (za:re-ye gâ)، (کیسه صفراى گاو)؛ میوه سوز (savr)، (صبر زرد)؛ دانه گُنِی تَرِک (gonite;rek)، (گل و برگ گازرک (gâzerak)، مُرَبَّا (morobbâ)، مقل (moql)؛ برگ منزرجوش (manzarjuš)، (مرزنگوش)؛ میوه هِلِیَ لَه (hele:la) (هلیله).

خواص درمانی: داروی تهیه شده را برای رفع بوسیل باذی (bôsîl-bâđî)، (بواسیر بادی) به مصرف می‌رسانند.

شَاف مراره<sup>۱</sup> (šâf-e marâra)

مواد: دانه چیش مزک (čišmezek)، (چشمیزج)؛ چوب چوزردک (ču zardek)، گرز خشخاش؛ میوه اَنَاف (onnâv)، (عناَب)؛ میوه هِلِیَ لَه (hele:la)، (هلیله) و سرگین ماده الاغ و تریاک.

خواص درمانی: این دارو را جهت رفع سرماخوردگی چشم و سرخی دور چشم به مصرف می‌رسانند.

## گُذَاخْتَه (gođâxta)

مواد: دانه انجره (anjera)، (میوه گزنه)؛ دانه بارهنگ؛ دانه تخم شروتی (toxm-e šar:vati)، (تخم شرتی)؛ دانه زیره؛ گرد دَرِزرد (darezard)، (زردچوبه)؛ دانه فرنجمشک (feranjomešk)، (فرنجمشک)؛ دانه فلفل سی یه (felfel-e siya)، (فلفل سیاه)؛ دانه مَرَوَریشک (marvarišk)، (دانه گیاه مرو)؛ شکر و روغن.

خواص درمانی: گذاخته را جهت رفع کوفتگی بدن و ورم رحم زائو به صورت سوپ به زائو

۱) در میان مردم دوان ۲ نوع شاف مراره وجود دارد. یکی شاف مراری گتو (šâf-e matâre-ye got-u)، (شاف مراره بزرگ) که مورد بالاست و دیگری شاف مراری خُردکُو (šâf-e marare-ye xordeku)، (شاف مراره کوچک) است که علاوه بر مواد مذکور در شاف مراره گتو، عنصری به نام لَشپَر (laspar) نیز در آن به کار می‌رود. و برای رفع تراخم و «غرب» چشم به مصرف می‌رسد.

می‌خورانند. این دارو بقایای خونابه‌های درون رحم را دفع می‌کند. علاوه بر این شیرآور و مدر است و تا مدتی بعد از زایمان روزانه يك بار به زانو می‌خورانند.

### مَدَّ جِين (ma:jin)

مواد: دانه شُود (bar-e, šoveđ)؛ (شوید)؛ چارکواوه (čâr kavâva) میوه خوفل (xufal)؛ (فوفل)؛ پوست دارچینی (dârcini)؛ (دارچین)؛ دانه سیادونه (siyâduna)؛ (سیاه دانه)؛ دانه فلفل سی یه (felfel-e siya)؛ (فلفل سیاه)؛ میوه قرص کمر (qors-e kemar) و عسل. خواص درمانی: داروی تقویت‌کننده نطفه مرد و زیادکننده منی است.

### دریة سسی بغار سوندا «۱» (darya si boqâr-e sôđâ) = (مخلوط برای سودا)

مواد: گل آروک (arvek)؛ گل الپه (alpa)؛ گل بی‌ماذرون (bimâdarun) (گونه‌ای بومادران)؛ گل سربرنجاسک (sarberendzâsk)؛ (بومادران)؛ برگ پُندُم (pogom)؛ (پونه)؛ سر شاخهٔ درِ مَه (der:ma) (درمنه)؛ برگ هنا (hanâ)؛ (حنا)؛ لیمو آمونی (limuamuni)؛ (لیمو امانی)؛ سوزه (sôza)؛ شاتره (šâtrra)؛ (شاه تره)؛ گل ختمی، باوینه (bâvina)؛ (باپونه) و مورد.

خواص درمانی: این دارو برای رفع سردرد، سرگیجه و بخصوص رفع بخار سودا بسیار مفید تشخیص داده شده است. علاوه بر اینها بر دستگاه گوارش نیز تأثیر می‌گذارد و رفع یبوست می‌کند. از آن برای رفع دانه‌هایی که بردست و پا ظاهر می‌شود و ظاهراً در اثر سوء هضم می‌باشد به مصرف می‌رسد.

### دریة سسی قوت بچه دو «۲» (darya si qovvat-e bačadu) = (مخلوط برای

### تقویت رحم)

مواد: برگ هنی برگ (hano-ye barg)؛ (حنا)؛ دانه گنی تَرک (goni te:rek)؛ کندر تَرِرو (konder-e te:ru)؛ (کندر تلخ)؛ مورد؛ مُورخَش (môr-e xaš)؛ مور تَل (môr-e ta:l)؛ میوه سور (savr)؛ (صبر زرد)؛ زهره بزکوهی، گاو، خرگوش و روباه، زنجبیل نمک و مقل و مرتبا (morobbâ)؛ مَل کزک (mol kazrak)؛ تخم مرغ خانگی.

خواص درمانی: دارویی است با مزاج گرم و برای تقویت رحم‌زنی که نطفه در رحمش نمی‌ماند و سقط می‌گردد به مصرف می‌رسد. بر اساس تجربهٔ مردم دوان بیمار با خوردن دارو قطعه‌ای شبیه گوشت به هیأت مارمولک از واژن زن می‌افتد. این قطعه را «ماش» (mâš) می‌گویند و

معتقدند که این باعث سقط شدن جنین می‌شود. با خوردن این دارو و افتادن ماش از زن بیمار رحم تقویت می‌گردد و آماده پذیرش نطفه می‌شود. علاوه بر خاصیت فوق در زمان حاملگی نیز اگر رحم ضعیف باشد و احتمال سقط جنین برود در اول هفت ماهگی و اول نه ماهگی هر بار سه روز از این دارو میل می‌شود. در مدت استفاده از دارو بیمار باید از خوردن ماست و ترشی پرهیز نماید و آش شملی (Āš-e šamli) (آش شنبلله) میل نماید.

مردم معتقدند که اگر قبل از تولد نوزاد پیشگیری از تأثیر ماش بر روی نوزاد به عمل نیاید بعد از تولد لکه‌های قرمزی روی بدن نوزاد به اندازه سکه ۱۰ ریالی ظاهر می‌شود که چاره‌ای برای نجات نوزاد وجود ندارد.

دریه سی سردرد «۳» (darya si ser dard) = (مخلوط برای سردرد)

مواد: گل الهه (alpa)؛ گل و برگ بی‌ماذرون (bimādarun)، (گونه‌ای بومادران)؛ برگ هنا (hanâ)، حنا؛ مورد؛ شاتره (šâttra)، (شاهتره) و آرد نخود.

خواص درمانی: داروی خمیری شکلی است برای رفع سردرد.

دریه سی سُدُته «۴» (darya si so:ta) = (مخلوط برای سوختگی)

مواد: جفت (jaft)، (جفت)؛ روغن نباتی یا حیوانی و موم عسل.

خواص درمانی: مرخم مؤثری برای التیام یافتن زخمهای چرکین است که در اثر سوختگی بوجود آمده است.

دریه سی کوفتگی «۵» (darya si kuftegi) = (مخلوط برای کوفتگی بدن)

مواد: پریس (bere:s)؛ شاخ بزکوهی، زرچووه (zarčuva)، (زرد چوبه).

خواص درمانی: مرخمی است برای رفع کوفتگی بدن که در اثر ضربه حاصل شده است.

دریه سی کورک «۶» (darya si kurak) = (مخلوط برای دُمل)

مواد: پریس (bere:s) (سقز درخت بن)؛ ساوون بلوگردی (sāvun-e bulugardi)، (صابون بروجردی)؛ گنج (gondz) (ر - ک رازی) و قند.

خواص درمانی: داروی مفیدی برای رفع کوفتگی و سرباز کردن دُمل است.

دریه سی اِبِراز و دُروشمون «۷» (darya si erâz vo dorôšomon) = (مخلوط

## برای شك و لرزش عصبی)

مواد: گل بی ماذرون (bimâdarun)، (بومادران)؛ گل الپه (alpa)؛ گل دَنَك (denek)، (زن = به لهجه شیرازی).

خواص درمانی: دارویی است که برای رفع تشنج و ناراحتی‌های عصبی به مصرف می‌رسد.

دریۀ سی قوزکُم «۸» (darya si qavz-e kom) = (مخلوط برای یبوست)

مواد: خاکشیر (râkšir)، (خاکشی)؛ زنیو (zenyu)، (زنیان - نانخواه)؛ شکر و نبات و رواترک (ravâtorvak)، (تاجریزی)؛ گز علفی و شکر سرخ.

خواص درمانی: این مخلوط را برای رفع یبوست کودکان و کسی که اصطلاحاً سِرِدَل

(ser del)، (رودل) کرده باشد به کار می‌برند.

دریۀ سی قوت بچه دو «۹» (darya si qovvat-e bačadu)

مواد: پوست دارچینی (dârcini)، (دارچین)؛ دانۀ بِرَشُوذ (bare- šoveđ)، (شوید)؛ دانۀ تخم

گشنی (toxm-e gšni)، (گشنیز)؛ دانۀ گازرک (gâzerak)؛ دانۀ نرگسی (nargesi)، (گزر).

خواص درمانی: دم کرده خوبی برای نرم شدن رحم و آماده کردن آن برای حاملگی است.

این دارو را برای رفع باذ (درد مفاصل) نیز مفید می‌دانند و آن را به مصرف می‌رسانند.

دریۀ سی دیشک «۱۰» (darya si dišk) = (مخلوط برای تراخم)

مواد: دَرِزَرَد (darezard)، (زرد چوبه)؛ آردگندم؛ زاغ (zâq)، (زاج) و شیر مادر.

خواص درمانی: دارویی برای ترکیدن زخمها و دانه‌های تراخم است. تأثیر آن بر تراخم

باعث می‌شود که دانه‌های آن در زیر پلک بترکد و از گوشۀ چشم خون و جراحات خارج شود.

دریۀ سی باذکُم «۱۱» (darya si bâđk- e kom) = (مخلوط برای نفخ شکم)

مواد زیرۀ کرمانی؛ راجونه (râjuna)، (رازیانه)؛ زنیو (zenyu)، (نانخواه) و شکر یا نبات.

خواص درمانی: چون بادشکن است برای رفع باد معده و لوله‌های گوارشی به کار می‌رود.

دریۀ سی بغار سودا و گرمی «۱۲» (darya si bôqâr- e sođâ ve ħarmi)

(مخلوط برای سودا و گرمی)

مواد: گل باوینه (bavina)، (بابونه)؛ برگ هُنّی برگ (hano-ye barg)، (حنا)؛ گل ختمی

(xatmi)، (ختمی)، شاخ و برگ و گل شاترّه (šâtrra)، (شاهتره)؛ دانۀ قَـوَه (qa:va)، (قهوه).

خواص درمانی: از این دارو برای رفع گرمی، بخار سودا و سردرد استفاده می‌شود.  
 دریه سسی کوفتگی زن زُییده «۱۳» (darya si kuftegi-ye zan-e zoyida) = (مخلوط  
 برای کوفتگی بدن زائو)  
 مواد: دانه شوذ (šoveq)، (شوید)؛ پوست نارنج؛ دانه سیادونه (siyaduna)، (سیاه دانه) و  
 زنجفیل (zanjafil)، (زنجبیل).  
 خواص درمانی: این دارو برای رفع کوفتگی بدن زائو در زمان حاملگی و زایمان به مصرف  
 می‌رسد.

دریه سسی بانِ زِرِ دِل «۱۴» (darya si baḡ-e zer-e del) = (مخلوط برای باد رحم)  
 مواد: پی یُی اسپه (piyo-ye espe)، (پیاز سفید خوراکی)؛ برگ اوشمک کِیرک  
 (ošmek-e kerek)، (آویشن باریک)؛ دانه سیادونه (siyaduna)، (سیاه دانه)؛ برگ جاشیر  
 (jāšir) و بابونه.

خواص درمانی: از آن، جهت رفع باد رحمی، پیچش روده‌ها و همچنین جهت آماده شدن رحم  
 برای حاملگی استفاده به عمل می‌آید.

دریه سسی بانِ زِرِ دِل «۱۵» (darya si baḡ-e zer-e del)  
 مواد: دانه شوذ (šoveq)، (شوید)؛ میوه خوقَل (xufal)، (خُوقَل)؛ چوب دارچینی (dārcini)،  
 (دارچین)؛ دانه قرص کمر، تخم مرغ، روغن و شکر و فلفل سیاه.

خواص درمانی: دارویی است برای رفع ناراحتیها و دردهای رحمی، همچنین دارویی است  
 جهت آماده کردن رحم برای حاملگی.

دریه سسی سُوذا «۱۶» (darya si sôḡâ) = (مخلوط برای سودا)  
 مواد: برگ سبز شاتره (šatarra)، (شاهتره)؛ برگ سبز سوزه (sôza)؛ حنا و نمک.  
 خواص درمانی: این مخلوط برای رفع امراض پوستی که از سودا عارض می‌شود به مصرف  
 می‌رسد.

دریه سسی زخم سوذیی «۱۷» (darya si zaxm-e sôḡo-yi) = (مخلوط برای زخم



## سودایی)

مواد: برگ تازه شاتره (šatarra)، (شاهتره)؛ حنا و تخم مرغ.

خواص درمانی: داروی مناسبی برای زخمهای سودایی است که در ناحیه سر بوجود می آید.

دریه سی دنگ و دونه ری زوو «۱۸» (darya si deng-o dune-ye ri zavu) =  
(مخلوط برای دانه‌های روی زبان)

مواد: دانه غُلفه (qolfa)، (خرغه)؛ قطعه تواسیر (tavāšir)، (تباشیر)؛ قطعه گیل ارمنی

(gel-e armani)، (گل ارمنی)؛ گلنار فارسی چوزردک (ču zardek) و بردوزه (barde-e veza)،  
(نوعی سنگ متخلخل).

خواص درمانی: داروی مفیدی برای از بین بردن برفک دهان نوزاد و کودکان است.

دریه سی قوزکُم «۱۹» (darya si qavz-e kom) = (مخلوط برای یبوست)

مواد: چووک (čuvak)، لولوفر (lulufar)؛ شکر یا نبات؛ روغن کرتی (ruqan-e kernati)،

(روغن کرچک) یا روغن زیتون؛ اُشَمِک پَرِن (ošomek-e pe:n)، (آویشن شیرازی).

خواص درمانی: محلولی است بسیار مؤثر برای رفع یبوست و پاک شدن معده و روده افراد  
بزرگسال.

دریه سی گری «۲۰» (darya si gari) = (مخلوط برای کچلی)

مواد: پوست نارنج، میوه هِلِه لَه (helela)، (هلله)؛ دانه گنی تَرِک (gonite:rek)؛ جَلِیک

سرکه (jelatek-e serka)، (لایه زله‌ای خشک شده روی سرکه).

خواص درمانی: از این مخلوط جهت رفع زخمهای کچلی استفاده به عمل می آورند.

دریه سی بانماش «۲۱» (darya si bâd-e mâš)

مواد: میوه رواتروک (ravâtorvak)، (تاجریزی) و دانه (میوه) تَدْرِی (tođri)، (قدومه).

خواص درمانی: مخلوطی است که برای رفع «بادماش» کودکانی که در رحم مادر به آن مبتلا

شده‌اند به مصرف می‌رسد.

دریه سی سِرْدَرِد «۲۲» (darya si ser dard)

مواد: هِنَا و بَدَّوَرِد (bedavor)، (بادآورد).

خواص درمانی: دارویی است برای رفع سردرد و خنک شدن سطح سرکه در اثر گرمی، ایجاد

درد کرده است.

دریبه سیی دل درد «۲۳» (darya si del dard)

مواد: گل باوینه (bâvina)، (بابونه)؛ برگ نعنا؛ گل گازوو (gol-e gâzavu)، (گل گاوزبان).  
خواص درمانی: دم کرده‌ای برای رفع ناراحتی‌های گوارشی بخصوص معده درد.

### طبابت عامیانه

در سومین پاره از طب سنتی، به طبابت عامیانه می‌پردازیم. در این پاره نحوه بکار بردن دارو و تدابیری را که در روستای دوان برای مداوای یک بیماری اندیشیده می‌شود مورد بحث قرار خواهیم داد.

مردم دوان معمولاً شروع مداوا را با داروهای ضعیف‌تر انجام می‌دهند و در صورتی که نتیجه حاصل نشود در مراحل بعدی داروهای قوی‌تر به کار می‌برند.

ما بر خلاف بعضی کتب قدیم که شرح و توضیح بیماریها را از ناحیه سر شروع کرده‌اند و به پا، پایین‌ترین عضو بدن رسیده‌اند، آنها را بر حسب حروف الفبا (همچون دو پاره قبلی در این فصل) ردیف کرده و در مورد هر یک توضیحات لازم را آورده‌ایم. لازم به توضیح است که مبحث شکسته‌بندی را در پایان همین پاره بررسی نموده‌ایم.

### اوله (ôla) = آبله

قبلاً که واکنس آبله به صورت امروزی به روستا راه نیافته بود، مردم دوان برای جلوگیری از آبله رایج، تدبیری می‌اندیشیدند. بدین صورت که: وقتی آبله شیوع می‌یافت، کسانی که دارای کودک بودند، به پدر و مادر کودکی که قبل از کودکان دیگر به آبله دچار می‌شد، رجوع می‌کردند و از آنها می‌خواستند که پنبه‌ای تمیز را به آب اولین تاول آبله کودکشان آغشته کنند و به آنها بدهند. (گاهی در قبال این خواسته مبلغی نیز می‌پرداختند) سپس روی بازوی کودک خود چند بار به نوك سوزنی را فرو می‌کردند که خون بیاید و پنبه آغشته به آب آبله را روی محل خون آمده قرار می‌دادند و با پارچه‌ای تمیز روی آن را می‌پوشاندند. در صورتی که آبله می‌گرفت، کودک تب می‌کرد و در مقابل این بلای جان سوز مصونیت می‌یافت، در صورتی که با بار اول کودک تب نمی‌کرد، باز این عمل را تکرار می‌کردند. و بدین صورت کودک خود را واکنسینه می‌نمودند.

### باز (bâd) = درد مفاصل (رماتیسم)

در صورتی که بدن کسی به باز (رماتیسم) مبتلا شود، آن را غیرقابل علاج می‌دانند، در نتیجه استفاده دارو در ارتباط با این درد نه در جهت درمان که برای تسکین و آرام کردن درد به کار برده می‌شود. برای این منظور از دم کرده گیاهانی چون بابونه، گازرک، منزرجوش و کمرآویز یا کمرزری استفاده می‌کنند. معمولاً زمانی از این دم کرده‌ها استفاده می‌کنند که درد شدید باشد. غیر از اینها، کوبیده مغز سفید ریشه گیاه دلو را نیز برای این منظور به کار می‌برند. ریشه این گیاه را پوست می‌کنند و می‌کوبند و در خمیر گندم می‌پزند و می‌خورند. علاوه بر اینها «اندرزا» (andarzâ) را که ماده گردو ماندی است از معده بزکوهی خارج کرده آن را خشک می‌کنند و در مواقع لزوم آن را دم می‌کنند و می‌نوشند. به عقیده آنها این دم کرده بسیار مؤثر است.

### باز سرخ (bâd-e sorx) = اَسْمِک (assomek)

باز سرخ نوعی بیماری پوستی است. که اغلب پوست صورت، پشت دست، پا یا ساق پا را آلوده می‌سازد. این بیماری نوعی قارچ است که باعث قرمزی و خشکی پوست می‌گردد. مردم دوان آن را نتیجه غلبه سودا می‌دانند.

برای مداوای این بیماری، مقداری گل گن (gol-e gan) را در مقداری سرکه سال (سرکه‌ای که یک سال از آن گذشته باشد) می‌سایند و روی زخم می‌مالند و سپس با پارچه تمیزی روی آن را می‌بندند. اگر بیماری با این دارو که چندین بار عمل می‌شود، مداوا نشود، مقداری سوره - r (sevr-e te:r)، (صبر) که در سرکه سال می‌سایند و چندین بار روی زخم می‌مالند. اگر با این دارو نیز مداوا نگردد، تریاک را به صورت پماد نرم می‌کنند و روی زخم می‌مالند. به نظر آنها این دارو از دیگر داروهای مصرف شده قوی‌تر است و زخم را معمولاً التیام می‌بخشد. برای از بین بردن این بیماری ضمن اینکه روز به روز نشانه‌های التیام یافتن زخم بیشتر نمایان می‌شود، کفگیری را که به گویش دوانی به (اَسْمِک) موسوم است داغ می‌کنند و آن را روی زخم قرار می‌دهند. در مدت مداوا باید مرتب به بیمار غذاهای سوداژ مثل آش زرشک و آش غوره داده شود.

### بچه دو (bača du) رحم، و آماده کردن آن برای آبیستن شدن

گاهی اتفاق می‌افتد که زنی بعد از مدتها که از ازدواجش می‌گذرد، آبیستن نمی‌شود. برای تقویت کردن رحم وی راهها و مراحل درمانی جالبی وجود دارد.

قبل از دارو و درمان، در صورتی که احتمال دهند، رحم پیچیده است، کیزه (kiza) می‌اندازند. به این معنی که کاسه‌ای را گرم می‌کنند و کف آن را زیر ناف زن قرار می‌دهند و با مالش و گرم نگه داشتن آن به اصطلاح پیچیدگی رحم را از بین می‌برند و آن را به حالت طبیعی بر می‌گردانند سپس برای تقویت آن تدابیری می‌اندیشند.

دارویی گیاهی (ر - ك مخلوط شماره ۹ داروهای گیاهی) تهیه می‌کنند، زن تحت درمان را بعد از قاعدگی، نزد ممچه (momča) (ماما)ی ده می‌برند. ماما شکم زن را با میم ئیی (mimnoyi) (مومیایی) و روغن زیتون کاملاً مالش می‌دهد و بعد، دم کرده داروی مذکور را به وی می‌دهد. این عمل چند بار طی چند ماه ادامه می‌یابد.

غیر از ضعف رحم ممکن است عوارض دیگری نیز سراغ رحم برود. از جمله باذماش (bâğ-e mâs) از دیگر عوارض رحم است که از آبتنی جلوگیری می‌کند. برای از بین بردن این مُعضل نیز تدابیری می‌اندیشند. از جمله دارویی (ر - ك مخلوط شماره ۲ داروهای گیاهی) دم می‌کنند و برای افتادن ماش از رحم زن به او می‌خورانند.

#### بوسیل (bôsil) بواسیر

در میان مردم دوان رسم بر این است که کودکان را چندین نوبت شیاف زنجبیل می‌کنند. این عمل برای جلوگیری از بواسیر احتمالی کودکان انجام می‌شود. برای این منظور چند قطره آب را در پشت نعلبکی یا بشقاب می‌ریزند و تکه‌ای زنجبیل را در آن می‌سایند تا مقداری از آن در آب حل شود. سپس چوب نازکی را که بر سرش پنبه‌ای پیچیده‌اند به آب زنجبیل آغشته می‌کنند و به مقعد کودک فرو می‌نمایند. به گفته روستاییان این دارو ایجاد سوزش بسیار می‌کند اما برای جلوگیری از بواسیر بسیار مفید است. در صورتی که کودک بواسیر خونی داشته باشد دکمه‌های بواسیر می‌ترکد و خون بیرون می‌ریزد. و در صورتی که کودک بواسیر بادی داشته باشد باد آن می‌خوابد. این عمل را هر شش ماه یک بار در چند نوبت تکرار می‌کنند.

#### تریشه (teriša) ترش کردن معده

تریشه عارضه‌ای است که با آروغ زدن مکرر و آمدن مایع ترش مزه از معده به دهان مشخص می‌شود. برای رفع آن شبها مقداری جفت (jäft) (پوست نازک قهوه‌ای روی مغز دانه بلوط) را در لیوانی ریخته به آن آب اضافه می‌کنند و تا صبح آن را به حال خود می‌گذرانند. صبح آن را صاف

کرده می‌نوشند. این مایع بسیار تلخ است و به گفته دوانی‌ها خوردن آن به مدت سه صبح متوالی باعث می‌شود که فساد معده از بین برود و حالت بیمار به وضع عادی برگردد.

### توتینگو (tô tingu) = نوعی تب

توتینگو تبی است شدید که علامت آن بی‌حواسی، هذیان گفتن و گرمی زیاد بدن است. این تب طوری است که مرتب بیمار را آزار می‌دهد و فرومی‌نشیند، تنها در شب هفتم، دوازدهم و بیستم بیمار عرق می‌کند و در صورتی که تب به درازا بکشد، شدت آن به حدی است که موی سر بیمار شروع به ریختن می‌کند و کاملاً طاس می‌شود. در این صورت وضع بیمار خطرناک می‌شود، برای پایین آوردن تب بیمار و در نهایت قطع آن باید مرتب به او غذاهای با مزاج خنک داد مثل: انار، بکرایی، اسفناج، نشاسته و...

### توگتو (tô gotu) تووسی یک (tô siya:k)

یکی از تبهای رایج که در گذشته دامنگیر مردم دوان می‌شد توگتو بود که بخصوص جوانان و نوجوانان بدان مبتلا می‌شدند. این بیماری نزد مردم بسیار خطرناک بود. به همین جهت از بیمار مراقبت‌های ویژه به عمل می‌آوردند.

کسی که دچار توگتو می‌شد از ۷ روز تا ۱۴ روز تب می‌کرد. در این مدت باید تغذیه بسیار عالی شامل حال وی می‌شد. برای تقویت او از غذاهایی که قوت‌دهنده و خنک بود استفاده می‌شد تا بمرور بیمار حالش بهبود یابد.

### هجومه (hajuma) = حجامت

در گذشته حجامت یکی از متداولترین اعمالی بود که هر از چند ماهی یک بار انجام می‌شد و خون به اصطلاح کثیف بدن را می‌گرفتند. انجام این عمل به قدری مهم بود که زنان آبستن را حتماً مورد حجامت قرار می‌دادند و در صورتی که در زمان لازم زنان کولی به ده نمی‌آمدند، قابله‌های ده این عمل را به صورت معمولی انجام می‌دادند.

معمولاً حجامت توسط زنان کولی که گهگاه به دوان می‌آمدند، صورت می‌گرفت. آنها با وسایل مخصوص<sup>۱</sup> به این عمل اقدام می‌کردند. نحوه عمل به این طریق بود که ابتدا قوطی را از

(۱) این وسایل عبارت بود از یک قوطی لوله‌دار، تیغ صورت تراشی، پنبه و داروهای مختلف.

طرف دهانه، در بین دو کتف شخص می گذاشتند و از طرف لوله آن می زد. در نتیجه تخلیه هوا از درون قوطی پوست متورم می شد و زیر آن خون جمع می گشت سپس آنجا را تیغ می زدند و خون جاری می شد. باز قوطی را می گذاشت و می مکید و هر چه خون در آن حوالی بود به درون قوطی می ریخت. بدین صورت خون کثیف گرفته می شد این عمل چند بار تکرار می شد، در پایان روی محل تیغ خورده را دارو می ریختند و با پارچه تمیزی می بستند.

در ارتباط با حجامت زنان آبستن عقیده بر این بود که اگر خون زن آبستن سرخرنگ و روشن و شفاف باشد، پسر به دنیا می آورد و در غیر این صورت دختر می زاید.

**ختنه (xanta) = ختنه**

ختنه در دوان در سنین سه به بالا، توسط دلاک (سلمان) ده صورت می گرفت.

داروهایی که مردم دوان برای بهبود زخم آلت ختنه شده به کار می بردند عبارت بود از «سوخته گوشت خرگوش» که به صورت پودر آماده شده بود و روغن کشدار عقرب. این روغن به صورت زیر تهیه می شد:

حدود ۱۵ عقرب می گرفتند آنها را در شیشه ای می انداختند و تا چند روز آنها را به حال خود می گذاشتند آنکه از دیگران قویتر بود ضعیفترها را می خورد تا جایی که تنها یک یا دو عقرب باقی می ماند. در این حال مقداری روغن کرچک روی آنها می ریختند، عقرب ها می مردند و در روغن حل می شدند. بعد از چندی روغن به رنگ سبز در می آمد و کشدار می شد.

این روغن را سه روز اول ختنه به سر آلت می مالیدند و با پنبه ای روی آن را می بستند. بعد از سه روز تأثیر این دارو، باعث نرم شدن زخم سر آلت می شد. بعد از سه روز استفاده از روغن نوبت به پودر گوشت خرگوش می رسید. این پودر را روی زخم پاشیده به اصطلاح آن را «خشکبند» می کردند. بعد از چند روز زخم التیام می یافت و کودک می توانست شلوار به پاکند.

**خین دماغ (xin demāq) = خون دماغ (رعاف)**

برای بند آمدن خون که گاهی به طور خودبخود از بینی جاری می شد، چرمی را که به چرم بلغار موسوم است و دبه های باروت از آن ساخته می شود، می سوزاندند و پودر می کردند. این پودر را به وسیله نی نازکی به درون بینی فوت می کردند و با این تدبیر از خون آمدن زیاد بینی جلوگیری می کردند.

**دُود درد (dođu dard) = دندان درد**

اگر دندان کرم خوردگی (پوسیدگی) داشته باشد، چند دانه رواتروک (تاجریزی) را می‌خیسانند و مقداری پیه گوسفند نیز حرارت می‌دهند تا آب شود. رواتروک و پیه را مخلوط می‌کنند و در زیر یک پوشش (ملحفه - چادر نماز) که شخص بیمار نیز در زیر آن قرار دارد، آن را می‌سوزانند. پیه و رواتروک در اثر سوختن دود می‌کند و دود آن را زیر دهان بیمار قرار می‌دهند. ظرف دیگری که در آن آب است نیز زیر دهان بیمار قرار می‌دهند بعد از چندی ذرات سفیدی به درون آب می‌افتد که مردم معتقدند کرمهای ریز سفیدی است که از درون دندان خارج شده و در آب می‌افتد. بعد از این عمل در اثر دود، درد دندان آرام می‌گیرد.

اگر دندان درد به جهت تورم لثه باشد. مقداری زدی zedi (شیره درخت بادامک، بادامچه) را می‌کوبند و در پای دندان و همچنین درون دندان پوک شده می‌ریزند. اگر با این ماده درد تسکین نیابد با کوبیدن دانه بنگو (ر - ك - گیاهان دارویی) همین عمل را تکرار می‌کنند. به گفته دوانی‌ها معمولاً این دارو درد را تسکین می‌دهد.

**دُود کشیدن (dođu kešidan) = کشیدن دندان**

برای رهایی از درد دندان پوسیده که درد آن با دارو تسکین نمی‌یافت، به دلاک ده متوسل می‌شدند که آن را بکشد. دلاک نیز با انبری که به قلو تین یا کلو تین (qal(kal)veteyn) موسوم است به جان دندان می‌افتاد و با شدت و فشار دندان را از لثه بیرون می‌کشید گاهی اتفاق می‌افتاد که در اثر ناآرامی بیمار، دندان همراه با تکه‌ای از لثه از دهان خارج می‌شد و باعث خونریزی شدیدی می‌گردید.

**دیل آرو (del a rô)، (شکم رویشیت - (šekam ravišt) = اسهال**

در صورتی که کودک اسهال بگیرد و مدتی به طول انجامد و در اثر آن روده‌ها لیز شود، چای سبز و پوست سبز میوه پسته را دم می‌کنند و به بیمار می‌دهند. این دم کرده، لیزی روده را از بین می‌برد و اسهال کودک از بین می‌رود. در اثر اسهال طولانی و در اثر فشاری که به مقعد وارد می‌شود، مقعد کودک متورم می‌گردد و قسمت داخلی آن بیرون می‌زند. برای از بین بردن این عارضه مقداری چرم بلغار (چرمی که با آن کیسه باروت درست می‌کنند) یا روده کهنه که در بافت الک‌های قدیمی بکار برده می‌شد، می‌کوبند و پودر آن را در مدخل مقعد می‌ریزند و به اصطلاح

آن را خشک‌بند می‌کنند بعد از چند بار تکرار این عمل، تورم مقعد از بین می‌رود.

### دُلوک (doluk) = زگیل

وقتی زگیل روی بدن و بخصوص دست و پای کسی ظاهر می‌شود، دو عدد زگیلی را که قبل از زگیل‌های دیگر ظاهر شده با دانه میخک که روی آتش قرار داده و در حال سوختن است، می‌سوزانند. بعد از چند بار تکرار این عمل، زگیلها تحلیل می‌روند و بعد از چندی از بین می‌روند. اهالی دوان معتقدند که بهتر است عمل سوزاندن، روی همه زگیل‌های درشت صورت گیرد.

### دیشک (dišk) = تراخم

تراخم یکی از بیماری‌های واگیرداری است که سابقاً در وستای دوان شایع بوده است. برای مداوای دیشک ابتدا از مغز دانه‌های گیاهی به نام گل دیشک (gol-e dišk) استفاده به عمل می‌آورند. مقدار يك قاشق چایخوری از مغزهای آماده شده را همراه با قطعه‌ای نبات می‌کوبند و آن را کاملاً نرم می‌کنند و زیر پلک‌های متورم شده چشم می‌پاشند. اگر بیماری زیاد پیشرفته نباشد، تأثیر این دارو باعث می‌شود که دانه‌های چرکین تراخم بترکد و از گوشه چشم خون جاری شود. اگر با چند بار پاشیدن ماده تهیه شده بیماری بهبود نیابد، داروی مؤثرتر دیگری را به کار می‌گیرند. این دارو مخلوطی است به نام دوی پُ ته (davo-ypo:ta)، (ر - ك داروهای گیاهی) که به زیر پلک‌ها می‌مالند در صورتی که با این دارو بیماری بهبود نیابد هلیله زرد را می‌سایند و با پنبه‌ای که بر سر چوب کبریت پیچیده‌اند به زیر پلک چشم می‌کشند. به گفته دوانی‌ها تأثیر این دارو قوی است و بعد از چند بار عمل کردن دانه‌های چرکین تراخم می‌ترکد و تورم چشم از بین می‌رود و بیماری التیام می‌یابد.

### زالو (zâli) = زالو

در آب اغلب چشمه‌های دوان که آب آشامیدنی مردم از آنجا تأمین می‌شود، زالو وجود دارد. در نتیجه گهگاه زالو از طریق آب به دهان وارد می‌شود و به دیواره داخلی گلو می‌چسبید و در اثر مکیدن خون بزرگ می‌شود و تنفس را مشکل می‌کند. برای بیرون آوردن آن، در صورتی که با چشم دیده می‌شود، انبری که نوک آن کج بود، به درون گلو می‌فرستادند و آن را می‌گرفتند و بیرون می‌کشیدند؛ و در صورتی که در قسمت پایین گلو قرار داشت برای بیرون آوردن آن تدابیری



می‌اندیشیدند، از جمله تا زمانی که شخص تحمل تشنگی داشت آب نمی‌نوشید. در نتیجه زالو بمروور بالا می‌آمد تا به نزدیکی دهان می‌رسید در این حال آن را بیرون می‌کشیدند. راه دیگری نیز برای به دهان آوردن زالو از گلو وجود داشت. مقداری پیه گوسفند را در زیر زبان شخص قرار می‌دادند. بوی پیه باعث می‌شد که زالو به طرف دهان کشیده شود. آنگاه آن را با انبر بیرون می‌کشیدند.

### زخم او واکنده (zaxm-e ô vakanda) = زخم آب کشیده

اگر شیشی خارجی مثل تراشه چوب، شکسته شیشه و خار... به دست یا پا وارد شود و آن را بلافاصله بیرون نیاورند، در اثر چرك کردن، موضع درد قرمز و متورم می‌شود که آن را اصطلاحاً او واکندن (ô vâkandan) = (آب کشیدن) می‌گویند.

برای مداوای این گونه زخمها مقداری مایع خمیر ترشیده را با مقداری شکر مخلوط می‌کنند و روی زخم قرار می‌دهند و با پارچه تمیزی روی آن را می‌بندند. معمولاً بعد از ۱۲ تا ۲۴ ساعت زخم سرباز می‌کند و جراحات آن همراه با شیء درون زخم خارج می‌شود. در صورتی که با این دارو زخم سرباز نکند از داروی دیگری که تأثیر بیشتری دارد استفاده می‌کنند. میوه گیاهی به نام بَرِكْ كَوُ (bar-eka:kô) را که قبلاً از درخت چیده و خشک کرده‌اند، در سرکه سال می‌جوشانند تا سفت شود و به صورت مرهم در آید. بعد آن را روی زخم می‌گذارند. بعد از اینکه زخم سرباز کرد و جراحات آن خارج شد. مرهمی را به نام مرهم قلم که از عطاریها تهیه می‌شود روی زخم می‌مالند تا زخم بهبود یابد.

### زخم چرکی (zaxm-e čerci) = زخم چرکین

اگر زخمی در بدن ایجاد شود و به چرك بنشیند، مخلوطی از میوه گیاهان، گشنیز، شنبلیله، بنگو (تخم اسفرزه) و مروریشک (ر-ك مخلوط بوبووك، داروهای گیاهی) را آماده می‌کنند و در شیر ریخته آن را می‌جوشانند تا به صورت مرهم در آید. بعد از سرد شدن آن را روی زخم گذاشته و با پارچه تمیزی می‌بندند. این ماده قادر است که چرك و جراحات زخم را کشیده و آن را بهبود بخشد معمولاً بعد از کشیده شدن چرك زخم، گرد پنسیلین بر آن می‌پاشند تا خشک شود.

در صورتی که زخم طولانی شود و به اصطلاح «زخم سال» گردد، باید دانه جو را بسوزانند و گرد آن را روی زخم پاشند. برای گرفتن نتیجه بهتر سوخته جو را درون زخم می‌ریزند. به گفته

دوانی‌ها تأثیر آن زیاد است و زخم را بهبود می‌بخشد.

### زخم سُودایی (zaxm-e sôđoyi) = زخم سوداوی

سوداگاهی به ناحیه سر سرایت می‌کند و در پوست سر ایجاد خشکی می‌نماید. پوست در اثر خشکی، ترک می‌خورد و در اثر خارش زیاد و خاراندن، زخم می‌شود و از آن خون تراوش می‌کند. معمولاً در این موقع، بیمار نباید از غذاهای سودازا (sôđazâ) مثل بادمجان، حبوبات و گوجه‌فرنگی استفاده نماید.

برای مداوی آن از مخلوطی (ر-ك مخلوط شماره ۱۷ داروهای گیاهی) که به صورت خمیر است استفاده می‌کنند. خمیر مزبور را روی سر پهن می‌کنند و تا حدود ۲ ساعت آن را به حال خود می‌گذارند. سپس آن را می‌شویند. این عمل باید روزانه تکرار شود تا زخم کاملاً التیام یابد.

### سِرَشک - سِن (ser eška:san) = شکستگی سر

برای مداوی شکستگی سر و بند آمدن خون آن، سوخته تنباکو را پودر می‌کنند و درون زخم می‌ریزند. غیر از این، قند را می‌سوزانند و سوخته آن را پودر می‌کنند و درون زخم می‌ریزند و روی زخم را با پارچه تمیزی می‌بندند تا بهبود یابد.

### سردی (sardi)

سردی دارای علامتی چون احساس بی‌حسی در دست و پا است و همچنین خارش کف دست و پا و بدن که در اثر خاراندن ایجاد آماسهای موضعی روی پوست می‌نماید. اهالی روستا معتقدند که برای مداوی سردی باید داروهای با مزاج گرم تجویز گردد، مثل استوخدوس، گل‌گاوزبان و داروهای دیگر از این قبیل. در مدت معالجه بیمار نباید غذاهایی با مزاج سرد که موافق بیماری است بخورد. این نحوه معالجه که در مورد بیماری سردی و گرمی (ر-ك بیماری گرمی) صورت گیرد بهترین نمونه «معالجه به ضد» است که در طب قدیم مرسوم بوده است.

### سرماخوردگی کودک

برای رفع سرماخوردگی کودکان، مقداری خمیر خشکیده به اضافه خاکستر اجاق و پوست پیاز سفید و تخت گیوه = شِش - وَه (Še:va) را در آب می‌خیسانند تا حدود يك ساعت یا بیشتر در همانحال بماند. بعد از این مدت، آب خیسانده را به بینی، ملاحظ و مقعد کودک می‌مالند. این عمل در طی روز چند بار تکرار می‌شود. بوی مایع بدست آمده باعث از بین رفتن سرماخوردگی

می‌گردد.

سودا (Sôdâ) = سودا

غلبه سودا در بدن به گونه‌های مختلف از جمله بغار سودا (boqâr-e Sôdâ) و خشکی سودایی بروز می‌کند. علائم بغار سودا، احساس گرمی بیش از حد، گیجی و بی‌طاقتی است. دوانی‌ها برای مداوای این بیماری، اولاً بیمار را از خوردن مواد سودازا مثل حبوبات و غذاهایی چون سیب‌زمینی و بادمجان و... منع می‌کنند. بعد داروها و غذاهایی که باعث خنثی کردن غلبه سودا در بدن می‌شود تجویز می‌نمایند.

برای مداوای خشکی پوست بخصوص خشکی پوست صورت که آن را گل‌پُری (gol por-i) می‌گویند. نیز، خیسانده مخلوطی از گیاهان (ر - ك مخلوط شماره ۱ داروهای گیاهی) را توصیه می‌کنند آب صاف کرده این خیسانده را در چند صبح قبل از ناشتا به بیمار می‌دهند تا سر بکشد. با این تجویز بمروور خشکی صورت برطرف می‌شود و شفافیت پوست ظاهر می‌گردد.

در مدت مداوای بیماریهای سودای غذاهایی چون آتش زرشک، آتش غوره و نوشیدنیهایی مثل شربت نارنج و شربت آب غوره که همگی سوداُبر (Sôdâbor) هستند به بیمار می‌دهند. غیر از خیسانده مذکور داروهای دیگری را مثل گنی تَرَك (ر-ك گیاهان دارویی) و هلیله زرد نیز به مصرف می‌رسانند. به این صورت که روزی چند دانه از گیاهان مذکور را در دهان می‌اندازند و با کمک آب فرو می‌دهند.

سُدُ تَگی (so:tegi) = سوختگی

مردم دوان مراحل مختلفی را برای مداوای زخمهای سوختگی قائلند. معمولاً اولین اقدام برای درمان سوختگی، خشکبند (xošk band) کردن زخم با گرد برگ بلوط است. بدین‌گونه که برگ خشکیده بلوط را می‌کوبند و گرد نرم آن را روی زخم می‌پاشند. این عمل را چندین نوبت و به مدت چند روز ادامه می‌دهند. در صورتی که زخم عمیق باشد و التیام نیابد از پوست خشک شده هندوانه سال قبل استفاده می‌کنند. در این مرحله نیز پوست هندوانه را می‌کوبند و زخم را خشکبند می‌کنند اگر با این عمل هم زخم بهبود نیافت. حنا را در روغن ریخته و آن را روی اجاق حرارت می‌دهند تا به حالت سوخته در آید. این ماده را روی زخم می‌مالند و باز تا چند روز این عمل را ادامه می‌دهند. به گفته روستایان معمولاً زخم در این مرحله روی به بهبودی می‌نهد و

کم کم زخم آب بر می‌چیند و خشک می‌شود. برای گوشت نو آوردن زخم از مخلوط مِـك (me:k) (شیرین بیان) و مُور (môr) (ر - ك گیاهان دارویی) استفاده می‌کنند. مخلوط خشکیده این دو گیاه را می‌کوبند و باگرد نرم آن زخم را خشک‌بند می‌کنند. زخم به مرور التیام می‌یابد و گوشت و پوست می‌آورد.

### سیهیر (sibir)

اولین علامت این بیماری بوی تعفنی است که از بدن کودک به مشام می‌رسد و دمای بدنش بالا می‌رود و به مدت سه روز تب می‌کند.

ابتدا باید به بیمار شربت خاکشیر داد تا تب او پایین بیاید. بعد از سه روز، دانه‌های قرمز رنگی تمام سطح بدن کودک را می‌پوشاند. در این موقع به هیچ نحو نباید بوی غذای سرخ کرده به کودک بخورد زیرا اثر بیماری در تن و چشم او باقی می‌ماند و در صورت ماندن اثر بیماری، شخص مرتب دچار چشم درد و سینه درد می‌شود. برای بو نخوردن به بدن بیمار لنگی قرمز رنگ به دور بدن او می‌پیچند و او را از محل دور می‌کنند. در صورتی که به بیمار بو بخورد روی مردمک چشم‌هایش خال سفیدی بوجود می‌آید.

### سیه كك (siya kok) = سیاه سرفه

علامت بارز این بیماری سرفه‌های مکرر و مداوم بیمار است که در اثر شدت آن به استفراغ ختم می‌شود. پس از گذشت يك هفته از شروع بیماری، سرفه بشدت خود می‌رسد. برای مداوای این بیماری از شیر مادیان یا شیر الاغ ماده استفاده می‌کنند. نوشیدن چند نوبت شیر مادیان یا ماده الاغ طی روز و ادامه آن در روزهای بعد باعث می‌شود که سرفه فروکش کند. چون بیماری واگیردار است باید او را از جمع کودکان دیگر دور نگه داشت. این بیمار سه تا ۶ ماه و گاهی تا يك سال ادامه می‌یابد.

### شكوفه (šokufa) یا قی (qey) = استفراغ

استفراغ خودبخود که از امتلاء معده نباشد، معمولاً از سردی عارض می‌شود. برای رفع آن، دم کرده استوخدوس را توصیه می‌کنند. در صورتی که استفراغ بند نیاید به بیمار دم کرده پودنه می‌دهند. سربرنجاسك (ر-ك گیاهان دارویی) نیز از جمله داروهایی است که استفراغ را بند می‌آورد و غلیان معده را فرو می‌نشاند.

برای اشخاص که مرتب حالت دل آشو (delâşu) دارند، سه تا چهار روز قبل از ناشتا، خاکشیر و قند را در آب خنک حل می‌کنند و به صورت شربت به بیمار می‌دهند.

**زرو دیدگی (zarv diggi) = ضرب دیدن اعضاء بدن**

دوانی‌ها برای رفع ضرب دیدگی بدن چند نحوه درمان قائلند از جمله:

۱ - مالش: مخلوطی از روغن حیوانی آب شده و میم نئی (mimnoyi)<sup>۱</sup> روی موضع ضرب دیدگی می‌مالند. تأثیر این دارو بر بدن، باعث می‌شود که خون مردگی محل ضرب دیدگی از بین برود و درد فروکش کند.

۲ - تکه نمدی را در آب نمک می‌خیسانند و روی موضع درد قرار می‌دهند، با چند بار تکرار کردن این عمل، درد از بین می‌برد.

۳ - مخلوطی خمیری متشکل از پیه گوسفند، آرد گندم و زرده تخم مرغ را گرم می‌کنند و روی موضع درد قرار می‌دهند و با پارچه‌ای تمیز روی آن را می‌بندند. معتقدند که این دارو نیز درد را از بین می‌برد.

۴ - خرمای چنگ زده را روی تکه پارچه‌ای پهن می‌کنند و روی موضع درد قرار می‌دهند و با پارچه دیگری آن را می‌بندند. طبع گرم خرما باعث می‌شود محل ضرب دیدگی عرق کند و درد آرام گیرد.

**آقر و زدگی: (aqrav zagegi) = عقرب گزیدگی**

برای خنثی کردن زهر عقرب، عقربی را که نیش زده، در صورتی که از محل دور نشده باشد و آن را بیابند، می‌کشند و شکم آن را پاره می‌کنند و روی محل عقرب زدگی قرار می‌دهند. اگر عقرب رفته باشد. از دارویی دیگر برای کشیدن زهر عقرب استفاده می‌کنند. گیاهی به نام دوی آقرو (davo-y aqrav) را می‌جوشانند و آب جوشانده آن را به عقرب گزیده می‌نوشانند. علاوه بر این مهره‌ای به نام قیتاس (qeytâs) را در کمی آب می‌سایند و محل عقرب زدگی را با آن می‌مالند.

۱) میم نئی ماده‌ای معدنی است که در تابستان که هوا گرم است به صورت ماده‌ای سیال از شکاف کوهها بخصوص کوه شمالی دوان در نزدیکی‌های چشمه مبارکی بیرون می‌آید.

## غَز (qar) = تازی چشم.

غر عارضه‌ای است که باعث می‌شود چشم اشیاء را تار ببیند و گویی پرده‌ای جلوی مردمک قرار گرفته که اشیاء را از وضوح می‌اندازد. برای رفع آن، دارویی متشکل از گیاهان مختلف به نام شاف مراره (ر - ك داروهای گیاهی) که قبلاً تهیه و به صورت قرصهای کوچک آماده کرده‌اند در پشت نعلبکی و در مقداری آب می‌سایند و به زیر پلکهای چشم بیمار می‌مالند. کم‌کم بعد از چند بار عمل کردن به این دستورالعمل تازی از بین می‌رود.

## قلب درد

به اعتقاد روستاییان، زیره و رازیانه به قلب قوت می‌بخشند. برای رفع ناراحتیهای قلب مقداری زیره و رازیانه را در میان قلب شکافته شده گوسفند می‌ریزند و آن را با نخی می‌دوزند و زیر خاکستر داغ اجاق قرار می‌دهند که پخته شود. بعد از چندی آن را خارج کرده و مخوی پخته شده آن را به بیمار می‌دهند. دم کرده زیره و نعنا را نیز برای رفع قلب درد مفید می‌دانند.

## کرم = انگل کودکان

مردم دوان انگلهای مختلفی را می‌شناسند که در لوله گوارش کودکان آنان را رنج می‌دهند. برای انداختن این کرمها تدابیر مختلفی می‌اندیشند.

۱- اگر انگل، کرمهای ریز باشد، مقداری شیرخام (نجوشیده) را به بیمار می‌دهند. این عمل در یکی دو روز بعد تکرار می‌شود بعد از خوردن شیر خام کرمهای ریز سفید رنگی از مقعد بیمار خارج می‌گردد.

۲- برای افتادن کرم اسکاریس (تریشین) که نشانه‌اش زردی روی و پریدگی رنگ صورت و ضعف جسمانی بود، دارویی مرکب از چووک و لولوفر را در شکر داغ می‌ریختند و بعد مقداری روغن زیتون را به آن اضافه می‌کردند. يك لیوان از این مایع را صبح قبل از صبحانه و يك لیوان ظهر به بیمار می‌دادند در هر نوبت بیمار استفراغ می‌کرد و همراه با استفراغ کرمهای بلند تریشین از دهان بیمار بیرون می‌ریخت. برای بازگرداندن توان بیمار به وی غذاهای سبک و در عین حال مقوی می‌دادند. با این عمل انگل از بدن خارج می‌شد و حال کودک برمی‌گشت.

## کورک (Kurak) = دُمَل

کورک یکی از بیماریهای پوستی رایج است که گهگاه اشخاص بدان مبتلا می‌شوند. این غده چرکی که در زیر پوست ایجاد می‌شود و درد زیادی به همراه دارد، کمتر اتفاق می‌افتد که خود

سرباز کند و چرك و جراحات آن خارج شود. در نتیجه برای اینکه زودتر زخم سرباز کند، برك - كُو (bar-eka:kō) را در سرکه می جوشانند تا غلیظ شود و به صورت مرهم درآید. مرهم مزبور را روی دُمَل می مالند و روی آن را می بندند. در اثر تأثیر این دارو، دُمَل سرباز می کند. بعد مقداری مایه خمیر را با شکر مخلوط می کنند و روی دُمَل سرباز کرده قرار می دهند که جراحات آن کاملاً خارج شود. سپس با مراقبت های دقیق آن را از آلودگی دور نگه می دارند و زخم کم کم سر به هم می آورد و التیام می یابد. برای سرباز کردن دُمَل از مخلوط پخته شده برگ درتیسک و برگ پنیرک و بادامچه نیز استفاده می کنند (ر-ك درتیسک)

### کوفتگی بدن زانو

معمولاً بدن زانو بعد از زایمان با خستگی دوران آبستنی و کوفتگی زایمان همراه هست. در دوان برای رفع این درد و سرحال آوردن زانو اقداماتی به شرح زیر صورت می دهند:

زانو را در روز دهم زایمان به حمام می برند، در حمام مخلوطی که از قبل به صورت پودر در آورده اند، (ر-ك داروهای گیاهی) به زانو می دهند که بخورد. سپس دو عدد تخم مرغ را روی بدن او می شکند و بدنش را مالش می دهند، بعد از مالش زیاد، او را می شویند و سپس بدنش را با میم ئی (ر-ك پانوشت ضرب دیدگی) مخلوط با روغن گرم شده مالش می دهند. با انجام این عمل، کوفتگی کاملاً از بدن زانو خارج شده و خستگی دوران آبستنی به پایان می رسد.

### گرمی (garm-i)

علامت این بیماری گیج رفتن سر و سیاهی رفتن چشم است که در اثر خوردن غذاها و داروهای گرم - در صورتی که مزاج شخص نیز گرم باشد - به وجود می آید. برای رفع آن باید داروهایی با مزاج سرد مصرف کرد. مثل فرنجمشك که به صورت شربت به مصرف می رسد. هندوانه و اسفناج و نشاسته نیز در متعادل کردن مزاج بدن مؤثرند.

### گری (gar-i) = کچلی

مردم دوان گری را دو نوع می دانند. يك نوع آن به نام گری سُتری (gar-i šotor-i) است که در میان مردم قشقایی و عشایر شتردار رایج بوده و نوع دیگر، گری معمولی است.

مردم دوان اغلب به گری نوع دوم مبتلا می شدند. برای رفع این بیماری ابتدا موی سر را بند می انداختند که سر از مو عاری گردد. سپس مخلوطی از گیاهان مختلف (ر-ك مخلوط شماره ۲۰

داروهای گیاهی) روی سر پهن کرده و با دستمالی روی آن را می پوشانند. حدود ۲۴ ساعت این داروها روی سر باقی می ماند و بعد آن را برداشته، سر را دوباره بند می انداختند تا موهای تازه رشد کرده نیز تمیز گردند. و بعد از آن از داروی مذکور سر را می پوشانند. تا حدود ۱۵ روز، روزانه این عمل تکرار می شد تا ضمن خارج کردن موهای رشد کرده، جراحات زیر پوست را خارج کنند. بعد از اینکه سر کاملاً از موهای آلوده عاری می شد و زخمهای کچلی از جراحات تمیز می گشت، سر کم کم موهای نو می آورد و به حالت اولیه بر می گشت.

### گُری درد (gori dard) = گلو درد

برای مداوای گلو درد، معمولاً صبحها قبل از صبحانه با آب نمک غرغره می کنند. صبحانه نیز فقط فرنی نشاسته میل می کنند. از خوردن غذاهای محرك و بودار پرهیز می شود. در صورتی که گلو درد شدت یابد و باعث سرفه گردد، از بنگوداغک (ر - ك داروهای گیاهی) استفاده می شود. دانه های لعابدار این مخلوط باعث نرمی گلو و سینه می شود و سرفه های خشک به سرفه های خلطدار تبدیل می گردد و به مرور قطع می شود.

### گُش درد (gos-dard) = گوش درد

سستی ترین عمل مداوای گوش درد، ریختن عرق بابونه به درون گوش است. غیر از این، از دود قلیان یا سیگار نیز برای تسکین درد گوش استفاده می کنند.

### گیروژده (gir-e ruḍa) = یبوست

مردم دوان برای رفع یبوست مراحلی قائلند که از داروهای کم تأثیر شروع شده و به داروهای مرکب قوی و بسیار ملین می رسد.

ابتدا هلیله زرد را می کوبند و آن را در مقداری آب حل می کنند و شب تا صبح آن را به همان حال نگه می دارند، صبح قبل از ناشتا آن را سر می کشند. این دارو باعث تحریک روده می شود و دستگاه گوارش را تحریک می کند. در صورتی که تأثیر نداشته باشد، داروی دیگری که مخلوطی از گیاهان مختلف و ملین است تجویز می کنند (ر - ك مخلوط شماره ۱۹ داروهای گیاهی). این دارو نیز اگر مؤثر واقع نشود و همچنان یبوست ادامه داشته باشد جوشنده (ر - ك داروهای گیاهی) به بیمار می دهند. بعد از خوردن این دارو بیمار باید به توصیه هایی عمل کند. اینکه شخص باید بعد از خوردن جوشنده مرتب راه برود و کندر بندری (konder-e bandar-i) بجود. به گفته



اهالی، اثر این دارو به حدی قوی است که در زمان کوتاهی بعد از میل کردن، اجابت مزاج می شود و بیوست از بین می رود. تا وقتی که اجابت مزاج نشود، بیمار نباید چیزی بخورد. بعد از سه چهار بار اجابت مزاج، به بیمار غذا می دهند. غذای وی تا سه روز چلو سفیدی است که بر آن گگرد گل محمدی پاشیده باشند. طی این سه روز کار معده کاملاً مرتب می شود و دستگاه گوارش منظم می گردد.

### مارزنگی (mâr zađegi) مار گزیدگی

در دوان برای تشخیص اینکه شخص به وسیله مار گزیده شده است یا خیر، شخصی را که قبلاً مار او را گزیده است بر بالین بیمار می آورند. در صورتی که وی استفراغ کند، می گویند مار گزیدگی است، زیرا معتقدند که بوی زهر مار حال شخص مذکور را به هم می زند.

اگر محل گزیدگی دست یا پا باشد فوری با بستن نخ یا کشی بالاتر از محل گزیدگی، از جریان خون در بدن جلوگیری می کنند که زهر وارد جریان خون نشود. بعد آن را تیغ می زنند و محل تیغ خورده را فشار می دهند تا خون و زهر خارج گردد. بعد از اینکه اطمینان حاصل شد که زهر از بدن خارج شده، زهره (صفرا)ی روباه را که قبلاً تهیه و خشك کرده اند در کمی آب می خیسانند و روی موضع قرار می دهند. این ماده باعث خنثی شدن اثر زهر مار می شود.

### مُخَّك (moxek) = میخچه

مخك عارضه‌ای پوستی است که به صورت زائده‌های سخت در کف پا ظاهر می شود. و بعد از چندی پوست را می شکافد و از زیر پوست بیرون آمده، ایجاد درد و ناراحتی می نماید.

برای مداوای این عارضه بهترین راه، شکافتن اطراف آن و بیرون آوردنش از ریشه است. در صورتی که چیزی از این زائده در گوشت باقی بماند، باز رشد کرده و دانه جدیدی ایجاد می شود. بعد از عمل خارج سازی، مقداری مرهم قلم را روی زخم می مالند و روی آن را با پارچه‌ای تمیز می بندند تا زخم التیام یابد.

### هیزه (heyza) هیضه

هیزه بیماری فساد معده است که در اثر خوردن مواد شیرین مثل عسل، قند، شیرینی و میوه‌هایی چون انجیر، بعد از خوردن غذاهای گوشتی، بخصوص آش، آبگوشت و خورشت